

ترکیه و ایفای نقش چهار راه انرژی

جعفر رجبی قره قشلاقی^(۱)
غلامعلی سلیمانی^(۲)

چکیده

امروزه با توجه به افزایش تقاضای جهانی انرژی، دستیابی به منابع انرژی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این چهارچوب گاز طبیعی و استفاده‌های گوناگون از آن رقابت بین کشورهای تولیدکننده و واردکننده آن را افزایش داده است. در این بین ترکیه به عنوان پل ارتباطی میان دو تمدن شرق و غرب و قرار داشتن در مسیر انتقال انرژی خاورمیانه به کشورهای حوزه دریای خزر و روسیه به اروپا، به یک منطقه ژئواکونومیک و استراتژیک تبدیل شده است. ترکیه بیش از ۹۰ درصد انرژی خود را وارد می‌کند و هیچ‌گونه ذخایر انرژی ثبت شده ندارد اما با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی واقع‌گرایانه و همچنین بهره‌گیری از استراتژی انرژی خود و اروپا، توانسته است به عنوان پل ارتباطی انرژی بین کانون انرژی جهان، یعنی منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و آسیای مرکزی و بازارهای مصرف آن در اروپا تبدیل شود. هدف این مقاله، تحلیل علل و عواملی است که ترکیه را به عنوان یکی از مهمترین مسیرهای ترانزیت انرژی در جهان تبدیل کرده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ترکیه، حزب عدالت و توسعه، چهار راه انرژی.

۱. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۲-۱۱۹

انرژی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید، امروزه سهم بزرگی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها داشته و بیشترین نقش را در توسعه تمدن اخیر بشری ایفا کرده است. این نقش از تولید غذا و فراهم‌سازی خدمات درمانی بهداشتی گرفته تا حمل‌ونقل و ترانزیت آن روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. در این میان ترکیه به خاطر موقعیت خاص خود که از سه طرف به وسیله دریا احاطه شده است و قرار گرفتن آن در میان کشورهای دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و مهمتر از همه، قرار داشتن در مسیر انتقال انرژی خاورمیانه، کشورهای حوزه دریای خزر و روسیه به اروپا، به یک منطقه ژئواکونومیک و استراتژیک تبدیل شده است. گذر خطوط لوله متعدد نفت و گاز از ترکیه، جدا از ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای آن کشور و تبدیل شدن به یک تاجر معتبر و شریک انرژی اروپا می‌تواند در عرصه نظام بین‌الملل و دیپلماتیک، ابزاری مناسب برای ورود به اتحادیه اروپا محسوب شود. در واقع ترکیه بدون برخورداری از منابع خام و تنها با تجدیدنظر در تعریف قدرت و روش‌های دست یافتن به غرور ملی واقعی، اینک به یک قدرت جهانی تبدیل شد و در جایگاه یک ابر قدرت منطقه‌ای قرار گرفته است. با توجه به اینکه ترکیه بیش از ۹۰ درصد انرژی خود را وارد می‌کند و هیچ «نابوکو» خط لوله ذخایر انرژی ثبت شده ندارد، توانسته است به عنوان پل انرژی منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و آسیای میانه تبدیل شود. به راستی چگونه ترکیه بدون داشتن هیچ‌گونه ذخایر انرژی هیدروکربنی در حال تبدیل شدن به چهارراه تجارت و ترانزیت نفت و گاز در جهان است؟

فرضیه این مقاله آن است که موقعیت ترکیه، سیاست خارجی فعال، نیازاروپا به متنوع ساختن انرژی خود و کاهش وابستگی به واردات گاز از روسیه و تعیین استراتژی انرژی خود، از عوامل تعیین‌کننده در این مورد می‌باشد. برای آزمون این فرضیه و یافتن پاسخ احتمالی به پرسش مذکور ابتدا از منظر ژئوپولیتیک، به نقش و جایگاه ترکیه خواهیم پرداخت؛ همچنین با نگاهی به سیاست خارجی رئالیستی این کشور، نقش و اهمیت آن را در تبدیل ترکیه به چهارراه انرژی جهان بررسی کرده و سپس استراتژی انرژی اروپا و

تبیین استراتژی ترکیه را به عنوان دیگر عوامل موثر در ایفای نقش ترکیه به عنوان پل ارتباطی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی در جهان مورد کنکاش قرار خواهیم داد و در نهایت به نتیجه‌گیری و ارائه یافته‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

الف: موقعیت ترکیه در نزدیکی به ذخایر انرژی و مسیر تبادل انرژی

وجود منابع طبیعی از جمله انرژی در یک کشور و مسیرهای عبور و ترانزیت آن، نقش مهمی در جایگاه ژئوپولیتیک کشورهای مختلف داشته است. در اقتصاد جهانی نیز رقابت میان واردکنندگان در بازار و کشورهای تولیدکننده انرژی می‌تواند به عنوان یک ابزار تنظیم‌کننده عمل نماید. از این رو موضوع کنترل و دسترسی به منابع انرژی برای ژئوپولیتیک هر کشوری تعیین‌کننده است. قدرت سیاسی بریتانیا در سده ۱۸ و آلمان در سده ۱۹ متکی به کنترل منابع انرژی بود که دقیقاً ارتباط بین ژئوپولیتیک و انرژی را نشان می‌دهد. به همین نحو در سده ۲۰ ایالات متحده امریکا سعی بر کنترل منابع نفت داشته است. برای تبیین رابطه انرژی و ژئوپولیتیک می‌توانیم به نظریه مشهور هارتلند اشاره کنیم که مکیندر معتقد است هر کس قدرت کنترل یا تأثیرگذاری جریان صادرات و منابع نفت گاز هارتلند را داشته باشد بر جهان تسلط پیدا می‌کند، این مناطق جغرافیایی که اروپای شرقی را پوشش می‌دهد شامل روسیه و بیشتر شامل دریای سیاه می‌باشد. بعد از جنگ سرد از اهمیت ژئوپولیتیک در خاورمیانه بزرگ کاسته نشد و ایالت متحده امریکا کنترل خود را بر فضای ژئوپولیتیکی مناطقی که از لحاظ انرژی غنی بودند گسترش داد. اما با توجه به افزایش مصرف انرژی جهانی و رقابت برای دسترسی به این منابع، بیشترین توجه کشورها حفظ جریان و منابع انرژی است، برای مثال هند ۷۰ درصد نفت و گاز خود را وارد می‌کند در نتیجه هند در جستجوی گسترش توافق‌های بلند مدت با کشورهای دارنده انرژی است. به طور مشابه چین ۱۰۰ میلیون دلار قرارداد ۲۵ ساله خرید نفت خام و گاز طبیعی از ایران را امضاء کرده است. برخلاف گذشته امروزه بازی‌های سیاسی نظام بین‌الملل پیش از پیش نقش تعیین‌کننده‌ای در ژئوپولیتیک دارد. در این قالب مسیر

خطوط لوله می‌تواند موضوع رقابت برای قدرت‌های تأثیرگذار و پیشرفته اقتصادی باشد نمونه مهم آن بازی ایران و آمریکا در خاورمیانه است، به طوری که آمریکا در برابر عبور خطوط لوله‌هایی که گاز آسیای مرکزی را به اروپا می‌رساند، مقاومت می‌کند. همچنین نمونه دیگر آن را بین ایران، پاکستان و هند مشاهده می‌کنیم^۲. البته به ادعای امریکایی‌ها این استراتژی با هدف منزوی کردن ایران در منطقه است.

بنابراین کشور ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپولتیکی خود، پلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت می‌باشد و از همین رو این کشور یک پل تمدنی محسوب می‌شود. در مطالعه سیاست خارجی ترکیه این مورد به نظریه پل معروف شده است که بنا بر آن عده‌ای معتقدند؛ ترکیه پل بین شرق و غرب و آسیا و اروپا بوده و وظیفه دیپلماسی ترکیه وساطت و همکاری میان طرفین منازعه در مناطق پیرامون این کشور است. موقعیت خاص جغرافیایی ترکیه موجب شده است، این کشور از شرایط استراتژیکی هم برخوردار باشد، این سرزمین همانند پلی دو منطقه مهم و استراتژیکی بالکان و خاورمیانه را به یکدیگر متصل می‌کند. وجود نفت در خاورمیانه و بحران‌های متعدد در این منطقه، موجب افزایش اهمیت ترکیه گشته، همچنین نزدیکی این کشور به دریای سیاه، اژه، مدیترانه و وجود دو تنگه مهم بسفر و داردانل، باعث شده است کالاهای مصرفی اروپا از طریق ترکیه به خاورمیانه ارسال شود.

ترکیه به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی ذخایر عمده انرژی جهان، یعنی خاورمیانه و دریای خزر قرار دارد و تقریباً ۷۱/۸ درصد ذخایر ثابت شده گاز و ۷۲/۷ منابع نفت جهان در این مناطق واقع شده است و همین مسأله باعث شکل‌گیری یک پل انرژی بین کشورهای منبع و بازار مصرف شده است و ترکیه به عنوان یک کشور کلیدی در تضمین امنیت انرژی به وسیله منابع مختلف تهیه و مسیرها است که اهمیت ویژه‌ای را برای اروپا به دست آورده است. پروژه‌های اصلی که در ترکیه در حال اجرا می‌باشد، نقش ترکیه را به عنوان یک کشور ترانزیت انرژی اروپا در نظر گرفته است و لقب ناف انرژی منطقه را به این کشور داده است. با تلاش‌هایی که ترکیه از طریق انتقال انرژی به کشورهای اروپایی انجام

می‌دهد انتظار می‌رود که این کشور به تنها مسیر انتقال انرژی در قرن ۲۱ تبدیل شود.^۲

ذخایر تخمینی تولید گاز همسایگان ترکیه

(تریلیون متر مکعب)

۶,۵۷	دریای خزر و آسیای میانه
۰,۸۵	آذربایجان
۱,۸۴	قزاقستان
۲,۰۱	ترکمنستان
۱,۸۷	ازبکستان
۴۷,۱۱	خاورمیانه
۲۳,۰۰	ایران
۳,۱۱	عراق
۱۴,۴۰	قطر
۶,۳۶	عربستان سعودی
۰,۲۴	سوریه
۱,۶۶	شمال شرق آفریقا
۱,۶۶	مصر
۴۷,۵۷	روسیه
۱۵۵,۷۸	جهان

Source: *BP, Statistical Review of World Energy*, London, June 2009

ب: سیاست خارجی فعال و پویا

همواره یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر روابط کشورها سیاست خارجی آن کشور بوده است. تغییر در سیاست خارجی ترکیه با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از مهمترین شاخص‌های تبدیل این کشور به قلب انرژی جهان است. به طوری که قبلاً نگاهی ایستا و ثابت به سیاست خارجی و اهداف آن در ترکیه حکم‌فرما بود، اما امروزه

ماهیت سیاست خارجی آن پویا و در حال تغییر است و جهانی شدن این امر را تشدید کرده است. سیاست‌گذاران ترکیه معتقدند که در این دنیای به سرعت در حال تغییر نمی‌توان اهداف ثابتی برای سیاست خارجی ترکیه تعیین نمود. از این رو، سیاست خارجی ترکیه باید معطوف به تلاش برای افزایش عمق راهبردی این کشور در جهان با شیوه‌های مختلف باشد. اشتباه است بگوییم ترکیه در منطقه X دارای اولویت‌های ثابتی است و باید همواره به آنها توجه داشته باشد. در ابتدای سال ۲۰۰۴ دستور کار اصلی سیاست خارجی ترکیه موضوع قبرس و اتحادیه اروپا بود، اما در نیمه دوم همان سال موضوع عراق در اولویت قرار گرفت. به نظر داوود اوغلو، ترکیه به دلایل تاریخی و جغرافیایی دارای هویت‌های چندگانه منطقه‌ای است و در نتیجه نمی‌تواند با پشت کردن به این هویت‌های خود سیاست خارجی موفق داشته باشد. ترکیه به لحاظ تاریخی - فرهنگی با ایران، اعراب، قفقاز و بالکان پیوند خورده است و در دوره عثمانی اولویت خاصی برای خاورمیانه قائل بود. به همین دلیل نمی‌توان بدون توجه به تجربه عثمانی، سیاست خارجی موفق برای ترکیه طراحی کرد.^۴ شاید به دلیل همین تأکید بر هویت و سیاست خارجی عثمانی است که برخی منتقدان داخلی و خارجی، داوود اوغلو را ترویج‌دهنده نوعی عثمانی‌گری جدید یا احیای نفوذ امپراتوری عثمانی توسط جمهوری ترکیه می‌دانند. به نظر می‌رسد این منتقدان معتقدند در تفکر داوود اوغلو، ژئوپلیتیک مقدم بر هویت است، در حالی که به نظر می‌رسد از نظر وی اولویت با هویت ترکیه باشد و درک از ژئوپلیتیک هم تابع نوع تعریف هویت ملی ترکیه می‌باشد. کما اینکه حاکم شدن گفتمان مدرنیستی هویت ملی در دوران جنگ سرد باعث شد ترکیه از جهان عرب و خاورمیانه به دلیل غربی تعریف کردن هویت خود دوری کند، در حالی که ناگزیر از تعامل با همسایگان خاورمیانه‌ای خود بود. توجه ترکیه به جهان ترک زبان پس از فروپاشی شوروی هم ریشه در تغییرات به وجود آمده در تعریف هویت ملی این کشور داشت که درصدد تأکید بیشتر بر عنصر قومیت و نژاد ترکیه در هویت ملی ترکیه بود.^۵ گویا داوود اوغلو این نوع نگرش به هویت ملی ترکیه (غربی یا ترک بودن) را رد می‌کند و به جای آن معتقد به وجود نوعی چند فرهنگ‌گرایی می‌باشد که، نگرشی

پست مدرن است، اما در همان حال نمایانگر بازگشت به سنت عثمانی نیز می‌باشد؛ یعنی هم‌زیستی هویت‌های مختلف با یکدیگر و گسترش روابط با همسایگان. در این قسمت به بررسی روابط ترکیه با روسیه و ایران که از مهمترین صادرکنندگان گاز به ترکیه هستند می‌پردازیم. ترکیه به دلایل تاریخی و جغرافیایی دارای هویت‌های چندگانه منطقه‌ای است و در نتیجه نمی‌تواند با پشت کردن به این هویت‌های خود سیاست خارجی موفق داشته باشد. از نظر داود اوغلو در سیاست خارجی ترکیه باید بتوان همزمان با همه مناطق پیرامون خود تعامل و در آنها حضور داشت حتی در صورت وجود فرصت، در آفریقا نیز حاضر شده و زمینه را برای افزایش عمق راهبردی ترکیه و تبدیل شدن آن به یک بازیگر مؤثر جهانی در ۲۰ سال آینده فراهم آورد. در زیر به برخی از مناسبات سیاسی ترکیه با کشورهای دارای منابع غنی نفت و گاز به طور گذرا اشاره می‌شود؛

۱- روابط ترکیه و روسیه

به طور تاریخی روابط ترکیه و روسیه روابط مستحکمی بوده است. در زمان جنگ سرد ترکیه تنها عضو وفادار سازمان آتلانتیک شمالی، ناتو در مرز اتحاد جماهیر شوروی بود. با فروپاشی شوروی اساساً موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه تغییر کرد و ترکیه را در شرق با همسایگان جدید روبرو ساخت و بازارهای جدید تجاری را برای آن گشود. بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان، همکاری و روابط حسنه ترکیه با روسیه را در شراکت‌های چند بعدی توضیح داده‌اند. اما همان زمان بسیاری از تحلیلگران امریکایی، گرم شدن روابط مسکو و آنکارا را به معنای کاهش و تضعیف اتحاد امریکا و ترکیه ارزیابی میکردند. تا حدودی می‌توان گفت که افزایش روابط ترکیه و روسیه بیشتر بر منافع اقتصادی دو کشور مبتنی است در سال ۱۹۹۰ تجارت اتحاد شوروی با ترکیه ۱/۷ میلیون دلار بود، در حالی که یک دهه بعد آن به ۴/۵ میلیون دلار رسید. در سال ۲۰۰۷ تجارت دوجانبه بین ترکیه و روسیه به ۲۸ میلیون دلار رسید. هرچند آلمان شریک تجاری ترکیه تا سال ۲۰۰۷ بود اما امروزه روسیه جایگزین آلمان شده است. همکاری انرژی دو کشور یعنی نفت و گاز پایه

روابط اقتصادی ترکیه و روسیه است. گاز اصلی‌ترین واردات ترکیه است؛ در سال ۲۰۰۷ ترکیه ۲۳ میلیون متر مکعب گاز طبیعی را وارد کشور خود کرده است. این در حالی است که رقم مزبور ۱۸ درصد بیشتر از سال قبل بوده است. به علاوه ترکیه شش میلیون بشکه نفت، یعنی چیزی حدود هفت میلیون تن در سال از روسیه وارد می‌کند. ۳۰ درصد واردات نفت ترکیه از ایران است که دومین کشور واردکننده است.^۷ به طور کلی عوامل متعددی در روابط دو کشور موثر هستند؛ روسیه به علت جمعیت زیاد خود، بازار مناسبی را برای کالاهای ترکیه فراهم می‌کند.

۱- جمعیت روسیه که دو برابر ترکیه است، بازار مناسبی برای کالاهای ترکیه می‌باشد.

۲- سرمایه‌گذاری ترکیه در صنایع فرسوده نفت و گاز روسیه. هزینه‌های سرمایه‌گذاری در طرح‌های مربوطه در سال ۲۰۰۷، به ۲۸ میلیون دلار در سال رسید.^۸

۳- موضوع جهانگردی نیز به روابط مستحکم ترکیه و روسیه کمک زیادی کرده است. فقط در سال ۲۰۰۷، دو و نیم میلیون جهانگرد روسی از ترکیه دیدن کرده‌اند. در حالی که این رقم، مشابه چهار دوره دیدارگندگان امریکایی از ترکیه بوده است، و حتی در شش ماه اول سال ۲۰۰۸ دو میلیون نفر از ترکیه دیدن کردند.^۹

۴- رفت‌وآمد رهبران دو کشور؛ پوتین در سال ۲۰۰۴ اولین رئیس‌جمهور روسیه بود که از سال ۱۹۷۲ از ترکیه دیدار می‌کرد و پاسخی به دیدارهای متعدد طرف‌های ترک بود. به طوری که در سال ۲۰۰۶ قرارداد فرهنگی بین دو طرف امضاء و مقامات ترکیه سال ۲۰۰۷ را سال فرهنگ روسی در کشور نامیدند، که متقابلاً سال ۲۰۰۸ سال فرهنگ ترکی در روسیه پاسخ داده شد.^{۱۰}

انرژی، محرک مهم در برقراری روابط نزدیک بین ترکیه و روسیه بوده است. ترکیه، ۶۵ درصد گاز طبیعی و ۲۰ درصد نفت مورد نیاز را از روسیه وارد می‌کند. اگر روند فعلی تداوم یابد، طبق اظهارات مقامات ترکیه، رقم مذکور میتواند به ۸۰ درصد در سال‌های آتی برسد. سرمایه‌گذاری روس‌ها در ترکیه به‌ویژه در بخش‌های انرژی، تورسم و مخابرات

به طرز چشمگیری در سال‌های اخیر رشد کرده است.^{۱۱}

۲- روابط با ایران

به‌رغم اظهارات مکرر، در سال ۲۰۰۱ ترکیه یکی از مهمترین واردکنندگان گاز از ایران بوده است. همکاری انرژی ترکیه با ایران از سال ۱۹۹۶ و در زمان کوتاه حزب رفاه نجم‌الدین اربکان که تمایلات اسلامی داشت آغاز شده بود. انرژی نیز عامل مهمی در تجدید روابط ترکیه با ایران بوده است. ایران، دومین تأمین‌کننده گاز طبیعی این کشور است. هرچند، همکاری‌های نزدیک با ایران در حوزه انرژی از سال ۱۹۹۶ م و در زمان حکومت ازبکان شروع شد؛ در دوره اردوغان تقویت شده است. در جولای ۲۰۰۷ م، ترکیه با ایران یادداشت‌تفاهمی را امضاء کردند که ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی ایران و ترکمنستان را به اروپا انتقال می‌داد. قرارداد، احداث دو خطوط لوله‌ی مجزا را پیش‌بینی می‌کرد که گاز طبیعی را از ایران و ترکمنستان به اروپا انتقال می‌داد. علاوه بر این، شرکت نفتی دولتی ترکیه، مجوز گسترش سه بخش مختلف میدان گازی پارس جنوبی ایران را دریافت خواهد کرد که ذخائر قابل وصول آن را ۱۴ تریلیون متر مکعب برآورد می‌کنند. عواملی متعددی در صدور گاز ایران به ترکیه در سال‌های اخیر مؤثر بوده است^{۱۲}؛

۱- ایران و ترکیه در بیشتر زمان‌ها در خصوص عواملی مانند تقاضا، قیمت، کیفیت و کمیت گاز صادراتی با یکدیگر دشوار مشکل بوده‌اند به طوری که ایران تنها نیمی از قرارداد گاز را که به میزان ۹/۶ میلیون متر مکعب است در سال صادر می‌کند و هرگاه در داخل با کمبود مواجه می‌شود، صادرات گاز به ترکیه را قطع می‌کند.

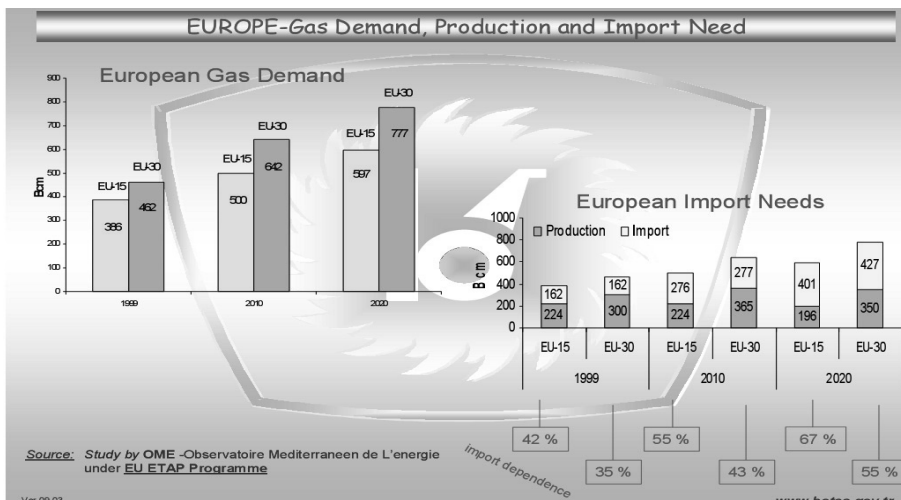
۲- عدم اطمینان ترک‌ها به ایران به عنوان یک شریک تجاری مناسب که می‌توان به قراردادهای تجاری لغو شده با ایران در قضیه ساختمان فرودگاه بین‌المللی امام خمینی که یک قرارداد ۱۵ ساله خدماتی بود و همچنین قرار داد ترک سل اشاره کرد. اما در سال ۲۰۰۷ همکاری‌ها گسترش یافته است، برای نمونه می‌توان به امضای قرارداد لوله‌گذاری به طول ۲/۲۰۰ مایل و تولید برق با نیروگاه‌های گاز طبیعی و در نهایت سرمایه‌گذاری

شرکت‌های نفتی ترکیه در توسعه حوزه‌های گاز پارس جنوبی با مبلغ ۳/۵ میلیون دلار اشاره کرد. البته ترکیه از ناحیه آمریکا تحت فشار است و مقامات رسمی ترکیه هم درصدد جایگزین‌هایی در آسیای مرکزی و قفقاز هستند^{۱۳}.

ج: نیاز اروپا به تنوع بخشی در انرژی

در اتحادیه اروپا بخش عمده‌ای از گاز مصرفی توسط کشورهای خارج از اروپا و عمدتاً از روسیه، نروژ و الجزایر تأمین می‌شود. در دهه‌های آتی با بزرگ شدن اتحادیه اروپا و افزایش تقاضا برای گاز طبیعی، وابستگی این اتحادیه به کشورهای خارج از آن برای تأمین گاز بیشتر خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که میزان تقاضا و میزان واردات آن تا سال ۲۰۲۰ افزایش قابل توجهی خواهد داشت^{۱۴}. جدول زیر افزایش نیاز مصرفی اروپا را نشان می‌دهد:

تقاضا و میزان واردات گاز اروپا



Source: Study by OME (Observation Mediterranean under EU Etap Program)

تنوع بخشی یک اصل بسیار مهم در میان استراتژی‌های امنیت انرژی برای اروپا است. خطوط لوله جدید تأمین گاز از عرضه‌کنندگان جدید، ضریب امنیت عرضه را

افزایش می‌دهد. علاوه بر سایر منابع انرژی، خاورمیانه به دو دلیل برای اروپا در تأمین امنیت انرژی اولویت دارد؛ ۱- ذخایر ثابت شده انرژی این منطقه برای عرضه به اروپا -۲- احداث و نگهداری خطوط لوله دریایی بسیار دشوار و پرهزینه می‌باشد. برای مثال قطع پیاپی گاز روسیه به اروپا باعث شد تا رهبران این قاره از وابستگی شدید به انرژی روسیه در هراس باشند. به همین دلیل اتحادیه اروپا در تلاش برای کاهش وابستگی به واردات گاز از روسیه است و می‌کوشد بهره‌گیری از منابع متعدد انرژی را افزایش دهد. مناطق دریای خزر و خلیج فارس از دیدگاه جغرافیایی و سیاسی پیچیده هستند. درحالی که اروپا نیاز به تنوع‌بخشی در تأمین گاز دارد، تلاش و رقابت هریک از عرضه‌گندگان برای دستیابی به بازار، تمایل به مذاکرات سیاسی را افزایش داده است. گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق، الزامات و تبعات سیاسی آن، به آزادسازی بازارهای گاز و پروژه‌های احداث خطوط انتقال گاز در شرق کمک خواهد کرد. در این میان هزینه تولید گاز در مناطق مختلف و همچنین هزینه انتقال آن متفاوت است. جدول زیر مسیرهای ترانزیتی انتقال انرژی به اروپا را نشان می‌دهد.

هزینه انتقال انرژی به اروپا از طریق خط لوله

تقاضای عرضه	مسیر ترانزیت	هزینه (دلار بر میلیون)
روسیه - یامال	بلاروس	۳٪۳۱
روسیه - نادیم پورتاز	اوکراین	۲٪۷۹
روسیه - ولگا اورال	اوکراین	۱٪۹۲
روسیه - ولگا اورال	ترکیه	۲٪۵۵
ازبکستان	ترکیه	۲٪۱۵
ترکمنستان	ترکیه	۲٪۱۵
آذربایجان	ترکیه	۲٪۰۵
ایران	ترکیه	۲٪۱۷
عراق	ترکیه	۱٪۹۷

مخازن دریای خزر و خلیج فارس بسیار گسترده‌اند. حدود ۶ میلیارد متر مکعب مخازن اثبات شده دور تا دور دریای خزر و حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب در خلیج فارس وجود دارد، در انتقال این حجم عظیم انرژی ترکیه نقش اساسی دارد. پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط مؤسسات تحقیقاتی مختلف و شرکت‌های انرژی که علاقه‌مند به اجرای پروژه‌های جدید دریای خزر و خاورمیانه هستند، نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ این پتانسیل وجود دارد که تا حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از طریق ترکیه به اروپا منتقل شود. این مسئله به مشوق قوی تبدیل شده است تا با انگیزه‌های بالا برای دستیابی به بازارهای اروپا تلاش کنند «بوتاش» شرکت‌های ترکیه و به ویژه قرار گرفتن در بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، ترکیه را به دالان انرژی تبدیل کرده است. به طور قطع برای اروپا برقراری روابط رضایت‌بخش با کشورهای ترانزیت، در راستای دستیابی به منابع پایدار انرژی بسیار مهم است. این مسئله در زمینه گاز اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که به شرایط ترانزیت و تنوع بخشی مداوم مسیرهای انتقال مربوط می‌شود، درحالی که در مورد نفت خام ریسک اصلی‌تر به تولید مخازن مربوط است. شواهد نشان می‌دهد که ترکیه به عنوان یک معبر منفعل در ترانزیت گاز نیست بلکه ایجاد حداکثر ارزش افزوده از طریق ارتباط دادن میان تولیدکنندگان گاز و مصرف‌کنندگان اروپایی در صدر استراتژی‌های شرکت دولتی بوتاش قرار دارد. حجم قراردادهای خرید گاز توسط ترکیه در این راستا می‌باشد. جدول زیر این امر را به خوبی نشان می‌دهد^{۱۵}.

حجم قراردادهای خرید گاز ترکیه

TURKEY'S NATURAL GAS SUPPLY CONTRACTS				
Contracts	Quantity (Plateau) (bcm/year)	Date of Signature	Duration (Year)	Status
Rus. Fed. (West)	6	February, 1986	25	In operation
Algeria (LNG)	4	April, 1988	20	In operation
Nigeria (LNG)	1.2	November, 1995	22	In operation
Iran	10	August, 1996	25	In operation
Rus. Fed (Black Sea)	16	December, 1997	25	In Operation
Rus. Fed. (West)	8	February, 1998	23	In operation
Turkmenistan	16	May, 1999	30	2006
Azerbaijan	6.6	March, 2001	15	2006
TOTAL	67.8			

۱۳۱

کارشناسان انرژی به درستی می‌دانند پس از تهاجم روسیه به گرجستان در تابستان ۲۰۰۷ و در بحبوحه اختلافات میان مسکو و کی‌یف که انتقال انرژی از اوکراین به اروپا را با مشکلات جدی روبرو کرد، اتحادیه اروپا تلاش خود را به منظور بهره‌گیری از منابع متعدد انرژی افزایش داده است. اگرچه روسیه همواره تأکید داشته که مطمئن‌ترین منبع تأمین گاز اروپاست و هیچ‌گاه از گاز به عنوان اهرم فشار استفاده نخواهد کرد، اما دو تجربه ژانویه ۲۰۰۷ و بحران اخیر بین مسکو و کی‌یف بر سر بدهی گازی اوکراین نشان داد که روسیه پایبندی چندانی به گفته‌های خود ندارد و کلید حل مشکل اروپا چیزی جز تنوع و گوناگونی در منابع انرژی نیست، از سویی دیگر اروپایی‌ها برای کاهش وابستگی خود به انرژی روسیه، چشم به منابع انرژی خاورمیانه و آسیای مرکزی دوخته‌اند. لذا نگاه اروپائیان به ترکیه به عنوان کشوری استراتژیک که بین تولیدکنندگان بزرگ انرژی و بازار مصرف اروپا قرار دارد، پررنگ‌تر شده است. ترکیه نیز با درک شرایط موجود درصدد ایفای نقش پل ترانزیت انرژی به اروپا است. مصرف گاز طبیعی اروپا تا سال ۲۰۳۰، حدود ۷۰ درصد

افزایش خواهد یافت و برای تأمین این میزان انرژی، قلب اروپا نیاز به شریان جدیدی دارد. این شریان چیزی نیست مگر خط لوله چند میلیاردی ناباکو که با عبور از حوزه دریای خزر به ترکیه، بلغارستان، رومانی و اتریش این ماده حیاتی را به قلب اروپا می‌رساند.^{۱۶} شکل‌گیری این شریان به سادگی میسر نیست و لازمه آن تحولات و تغییرات بسیاری، از جمله نگاه جدید به ترکیه و هم‌چنین تغییر نگاه سیاسی به انرژی و اولویت تجارت و منطق اقتصادی بر ملاحظات سیاسی خصوصاً با نگاه تازه به توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران است. در این بین آنکارا تلاش دارد به اتحادیه اروپا تفهیم کند که ترکیه کشوری بزرگ با تاریخی کهن و موقعیتی استراتژیک است. رهبران ترکیه همچنین می‌خواهند به اتحادیه اروپا بفهمانند که این اتحادیه به جمعیت جوان ترکیه، اقتصاد پویای آن، توانایی اثرگذاری آن در خاورمیانه و نقش به‌سزای آن در رهایی قاره سبز از وابستگی انرژی به روسیه نیازمند است. ترکیه و اروپا در یک بازی برد - برد می‌توانند از همکاری با یکدیگر نفع زیادی ببرند. از یکسو اروپا می‌تواند به یک مسیر قابل اتکای انرژی دسترسی یابد و از سوی دیگر ترکیه می‌تواند از حقوق مربوط به ترانزیت انرژی و مزایای جانبی آن بهره‌مند گردد و در بلندمدت به عنوان یک شریک قابل‌اعتماد و یکی از اعضای اتحادیه اروپا به حساب آید.

د: استراتژی انرژی ترکیه

برنامه استراتژیک انرژی ۲۰۱۰-۲۰۱۴ ترکیه، در آوریل همان سال توسط هیأت وزیران تصویب شد هدف آن در درجه اول؛ تأمین انرژی از همه تولیدکنندگان به اندازه کافی با کیفیت بالا، قیمت ارزان و اطمینان در تعهدات و حساسیت درباره موضوعات محیطی بعلاوه کاهش وابستگی واردات در انرژی عنوان شد و دوم افزایش مقدار تولیدات انرژی که می‌تواند توسط ترکیه ترانزیت شود. البته یکی از اصلی‌ترین اهداف آن کاهش واردات انرژی و اتکاء به منابع داخلی شامل زغال سنگ و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای تا سال ۲۰۲۳ به مناسبت صدمین سال تأسیس ترکیه است. در مجموع در این ارتباط

سه استراتژی را می‌توان مشخص کرد؛ ۱- متنوع ساختن منابع انرژی و اعتماد به آن، قیمت مناسب برای مصرف داخلی ۲- رفع محدودیت‌های بازار انرژی ترکیه ۳- تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه وزیر انرژی منطقه. باتوجه به سرعت تقاضای در حال رشد انرژی در ترکیه، حلمی گولر - وزیر انرژی ترکیه - پیش‌بینی کرده است که تنها صنعت برق این کشور تا سال ۲۰۲۰ نیاز به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید دارد. با توجه به بدهی‌های عظیم دولت آنکارا، منبع اصلی سرمایه‌گذاری در این حوزه بخش خصوصی در نظر گرفته شده است ولی بخش خصوصی نیز به دلیل موانعی همچون عدم شفافیت قوانین انرژی و قیمت انرژی که از طرف دولت کنترل می‌شود، علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش نشان نداده است. از سوی دیگر طرح‌های دولت ترکیه برای استفاده از منابع دیگر انرژی همچون باد و انرژی اتمی برای عملی شدن به زمان زیادی نیاز دارد. طی یک دهه گذشته تقاضای انرژی ترکیه سه برابر شده است تا جایی که دولت در بودجه سال ۲۰۰۷، ۳۰ میلیارد دلار به واردات انرژی اختصاص داد. درحالی که نیاز نفتی ترکیه از منابع گوناگون تأمین می‌شود، آنکارا برای تأمین ۶۰ درصد از نیاز گازی خود به گاز پروم روسیه وابسته است. حتی در سال‌های اخیر به خاطر بارندگی اندک، وابستگی نیروگاه‌های ترکیه به مصرف گاز افزایش یافته است.^{۱۷}

این کشور قصد دارد گاز قطر را از طریق یک خط لوله عربستانی به بازار صادرات خود وارد کند. تانلر ییلدیز، وزیر انرژی ترکیه، در سال گذشته اعلام کرده بود، ترکیه و قطر گروهی را برای مطالعه درباره احتمال احداث خط لوله انتقال گاز مایع (ال.ان.جی) قطر به ترکیه از طریق عربستان سعودی تشکیل داده‌اند. این کشور همچنین برای تأمین این نیاز خود روش‌های مختلفی را هر روز اتخاذ می‌کند که در زیر به شماری از آنها می‌پردازیم. اداره تنظیم بازار انرژی ترکیه اعلام کرد که ترکیه در سه ماه نخست سال جاری میلادی حدود شش میلیون تن نفت و فرآورده‌های نفتی از ۳۲ کشور جهان خریداری کرده است. این گزارش می‌افزاید، ترکیه در سه ماه نخست سال جاری میلادی در مجموع سه میلیون و ۲۲۳ هزار و ۲۹۹ تن نفت خام وارد کرده است که ۸۲۱ هزار و ۵۱۴ تن آن از ایران

خریداری شده است. به‌رغم تحریم صادرات بنزین به ایران که آمریکا و برخی متحدان این کشور بر ضدتهران تصویب کرده‌اند، ترکیه اخیراً اعلام کرده است از شرکت‌های ترک که بنزین به ایران صادر می‌کنند، حمایت خواهد کرد. تانر ایلدیز وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه گفته است اگر ترجیح بخش خصوصی فروش محصولات پالایشی به ایران است، دولت ترکیه به آنها کمک خواهد کرد^{۱۸}. در سال ۲۰۰۷ با انتخاب دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، تلاش‌های دولت ترکیه برای اصلاح بازار انرژی تشدید شد. اما رهبران ترک به دلیل مشکلات ساختاری، طی سالیان گذشته در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و آزادسازی بازار انرژی چندان موفق نبودند. بعلاوه سرمایه‌گذاران مستقل هنوز به واسطه اعمال نفوذی که دولت در پایین نگه داشتن نرخ انرژی در ترکیه دارد، نمی‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که به عمل می‌آورند، سود ببرند.

به باور بسیاری در صورت حل و فصل مسائل انرژی بین ترکیه و اتحادیه اروپا، که یکی از موارد اختلاف در پیوستن این کشور به این اتحادیه است، می‌توان شاهد سرمایه‌گذاری‌های بیشتر خارجی در بخش انرژی ترکیه بود^{۱۹}. ولی به واسطه بن‌بست‌های سیاسی این چشم‌انداز نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد تا جایی که رجب‌طیب اردوغان ۱۹ ژانویه در بروکسل با اشاره به این موضوع اعلام کرد اگر ما با شرایطی روبرو شویم که «بخش انرژی مذاکرات با اتحادیه اروپا به بن‌بست برسد، در موضع خود در قبال پروژه نابوکو تجدیدنظر خواهیم کرد» ترک‌ها پتانسیل آن را دارند که به صورت یک حلقه مهم در چرخه صادرات نفت و گاز درآیند^{۲۰}. با نگاهی گذرا به خطوط لوله مهمی که از ترکیه می‌گذرد می‌توان این موضوع را دریافت:

۱- **خط لوله گاز (Blue stream):** این خط لوله یکی از مولفه‌های اصلی محور شمال جنوب و از راهبردهای استراتژیک برای ترکیه است، که با عبور از بستر دریای سیاه می‌تواند تا حجم ۱۶ میلیون متر مکعب در روز گاز روسیه را به اروپا منتقل کند. در سال ۲۰۰۷ ترکیه ۹/۳ میلیون متر مکعب گاز را از این مسیر وارد کرده است. هرچند امکان ایجاد یک شبکه رویایی خط لوله عرضه نفت و گاز طبیعی، برق - آب و احتمالاً همراه با

خط فیبر نوری از ترکیه به اسرائیل به وسیله بلو استریم و خطوط سمسان - جیهان به بندر اشکول اسرائیل به زودی عملیاتی می‌شود.

۲- خط لوله باکو - تفلیس - جیحان: خط لوله باکو. جیحان به طول ۱۷۷۶

کیلومتر، در حوزه نفتی آذری - چراغ - گونشلی باکو را از طریق گرجستان به بندر جیحان در جنوب شرق ترکیه در دریای مدیترانه متصل می‌نماید. ۴۴۰ کیلومتر از این خط در آذربایجان، ۲۶۰ کیلومتر در گرجستان و ۱۰۷۶ کیلومتر آن در خاک ترکیه واقع شده است. این خط لوله بعد از خط لوله Druzhba به طول ۴۲۵۰ کیلومتر که در سال ۱۹۶۴ ساخته شده است و ناحیه samar در روسیه را به اروپای مرکزی متصل می‌نماید، دومین خط لوله طولانی دنیا محسوب می‌شود. عملیات ساخت آن در سال ۲۰۰۲ آغاز شد و در ماه می سال ۲۰۰۵ خاتمه یافت، این خط لوله به طور رسمی در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶ افتتاح گردید. این خط لوله ۱ میلیون بشکه نفت را در روز از جمهوری آذربایجان به بندر جیحان ترکیه می‌رساند. کل خط لوله، گنجایش ۱۰ میلیون نفت خام را دارا است. از تبعات سیاسی اقتصادی احداث این خط لوله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد ۱- کاهش وابستگی اقتصادی و سیاسی آذربایجان و گرجستان به روسیه ۲- افزایش اهمیت ترکیه و به طور اخص بندر جیحان در تأمین انرژی حوزه دریای مدیترانه ۳- افزایش درآمد ترکیه به میزان ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۴- دسترسی مستقیم آذربایجان به بازارهای جهانی نفت خام. همچنین در ۱۶ جولای سال ۲۰۰۶ قزاقستان به طور رسمی به این خط لوله پیوسته است.

۳- باکو - تفلیس - ارزروم: خط لوله گاز طبیعی که از شاه دنیز جمهوری

آذربایجان به سوی گرجستان و نهایتاً به ارزروم می‌رسد. این خط لوله ۶/۶ میلیون مترمکعب در سال گاز صادر می‌کند. اهمیت آن به دلیل وجود گاز طبیعی دریای خزر است که چهارمین ذخایر گاز در ترکمنستان و قزاقستان واقع شده است. انتقال آن از فوریت‌های خاصی برخوردار است و به تنوع بخشیدن مسیرها و منابع کمک می‌کند، و از بعد امنیت تأمین انرژی، اهمیت ترکمنستان و قزاقستان که هیچ مسیری را برای صادرات به غرب نداشتند، حائز اهمیت است.^{۲۱}

۴- خط لوله سمسان - جیهان: پس از انجام بحث‌های اولیه در سال ۲۰۰۳ در خصوص احداث خط لوله سمسان - جیهان بین شرکت‌های ترکیه‌ای Calyk و شرکت ایتالیایی Eni در ۲۴ آوریل سال ۲۰۰۷ توافق‌نامه اولیه برای مشارکت در ساخت به صورت ۵۰-۵۰ و در قالب شرکت - Campany Trans Andolou Pipeline به امضای طرفین رسید علت اصلی تمایل شرکت Eni برای مشارکت در این پروژه، سهم ۵/۱۸ درصدی این شرکت در حوزه نفتی گاشان قزاقستان است، چرا که بدین ترتیب پس از تولید نفت خام در این حوزه نفتی، خط لوله یاد شده می‌تواند روش مناسبی برای انتقال آن به بازارهای مصرف در منطقه مدیترانه باشد. این خط لوله به طول ۵۵۰ کیلومتر و ظرفیت ۱/۵ میلیون بشکه در روز است. مدیترانه به عنوان مسیرهای جایگزین برای عبور از تنگه‌های بسفر و داردانل، بندر سمسان ترکیه در دریای سیاه را به بندر جیهان در دریای مدیترانه متصل نموده و امکان انتقال بیشتر نفت خام روسیه و قزاقستان را به مدیترانه فراهم می‌آورد. به همین جهت مقامات ترکیه تلاش زیادی در جهت کسب حمایت روسیه از این طرح نمودند. پیش‌بینی می‌شود که با راه‌اندازی این خط لوله که رقابتی جدی برای خط لوله بورگاس - الکساندر و پلیس محسوب می‌شود، میزان تردد نفتکش‌ها از تنگه‌های بسفر و داردانل تا حدود ۵۰ درصد کاهش یابد.

۵- خط لوله گاز ایران - ترکیه که مقادیر متنابهی گاز را از ایران به ترکیه منتقل می‌کند و امکان افزایش ظرفیت آن نیز با توجه به منابع عظیم گازی ایران وجود دارد. (این بحث در توضیح روابط ایران و ترکیه کامل آمده است)

۶- خط لوله کرکوک - جیحان: خط لوله - کرکوک جیهان به طول ۹۰۰ کیلومتر طولانی‌ترین خط لوله نفت خام عراق است که نفت خام حوزه نفتی کرکوک را به بندر جیهان در جنوب شرق دریای مدیترانه منتقل می‌نماید. ظرفیت اسمی این خط لوله ۴۰ اینچی که از دو خط لوله موازی ۱/۱ و نیم میلیون بشکه تشکیل گردیده در مجموع به ۱/۶ بشکه در روز می‌رسد که در عمل تا قبل از حمله آمریکا به عراق ۹۰۰ هزار بشکه و سپس متعاقب آن به ۶۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. حدوداً سه ماه بعد از تهاجم آمریکا

به عراق، در مارس ۲۰۰۳، اولین حمله خرابکارانه علیه این خط صورت گرفت و تعداد این حملات تا اکتبر ۲۰۰۶ که عملیات انتقال نفت خام به طور کامل از طریق آن متوقف گردید، به صدها مورد رسید. تا اینکه پس از گذشت بیش از ۴ سال مجدداً اولین محموله نفت خام کرکوک به صورت اعلام مزایده از سوی مسئولین بازاریابی نفت خام در سپتامبر ۲۰۰۷ به فروش رسید. در حال حاضر روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار بشکه نفت خام از (SOMO) عراق از طریق این خط لوله به بندر جیحان ترکیه انتقال می‌یابد. علاوه بر این ترکیه علاقه‌مند به توسعه ذخایر گاز طبیعی که در شمال عراق واقع شده است، می‌باشد. گاز طبیعی عراق به آسانی به شبکه ملی ترکیه توسط یک خط لوله کرکوک به جیحان متصل می‌شود. البته بعد از جنگ در عراق این شبکه در حال رونق گرفتن است. عراق از توان بالقوه تبدیل شدن به یکی از منابع اصلی تأمین انرژی جهان برخوردار است. میزان ذخایر اثبات شده گاز عراق بیش از سه هزار و ۳۶۰ میلیارد مترمکعب است که ۷۰ درصد آن همراه نفت است. برخی کارشناسان معتقدند رقم واقعی ذخایر گاز عراق بیش از هفت هزار و ۵۰۰ میلیارد مترمکعب است که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب قابل استخراج خواهد بود. در حال حاضر عراق از نظر ذخایر گاز طبیعی مقام دهم جهان را در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۹ در مجموع از این خط لوله ۱۶۷ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام را به ترکیه انتقال داده است.^{۲۲}

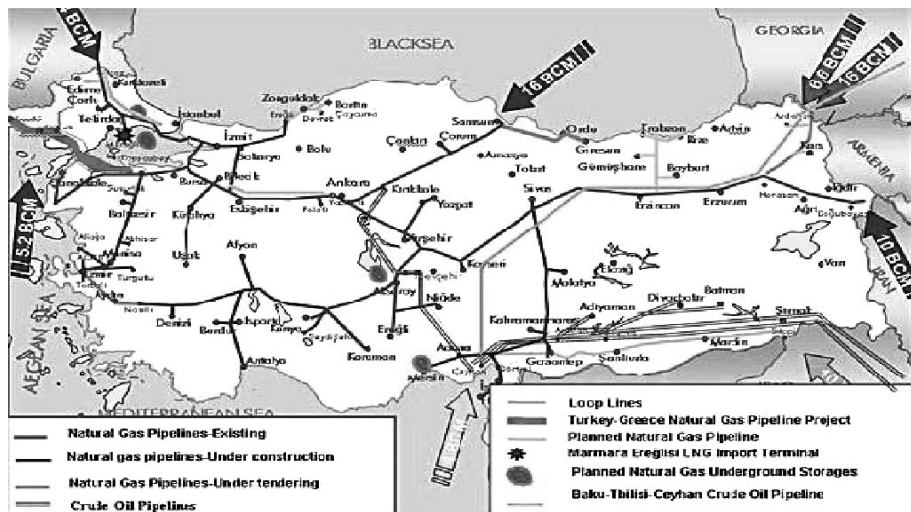
۷- خط لوله ترکیه - یونان - ایتالیا: بر اساس توافق‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۳

بین شرکت‌های یونانی و ترکیه‌ای به امضاء رسید و در سال ۲۰۰۷ این توافق به در روم به توافق سه جانبه بین ترکیه - یونان - ایتالیا تبدیل شد، که با این خط لوله شبکه انرژی ترکیه به اتحادیه اروپا وصل شده، و برای اولین بار اجازه می‌دهد گاز دریای خزر بدون عبور از خاک روسیه به اروپا انتقال یابد. حجم گاز انتقالی از راه ترکیه به یونان و ایتالیا ۸/۳ میلیون متر مکعب است. البته این خط لوله حجم ترانزیت کمی دارد و نماد همکاری ترکیه، یونان ایتالیا به حساب می‌آید. افتتاح این خط لوله آغاز دوره جدیدی از مناسبات میان سه کشور است و تلاش برای افزایش ظرفیت آن ادامه دارد.

۸- خط لوله ناباکو: در پی قطع جریان گاز روسیه به اتحادیه اروپا، ترکیه هم

اکنون خود را در موقعیت ویژه‌ای احساس می‌کند چرا که خط لوله گاز ناباکو به عنوان شاهراه جایگزینی برای انتقال انرژی به کشورهای اروپایی در نظر گرفته شده است. با وجود این به نظر می‌رسد خط لوله جدید، چالش‌ها و معضلات ویژه خود را دارد. پروژه چند میلیون دلاری خط لوله ناباکو به عنوان یکی از خوش‌بینانه‌ترین امیدها برای محدود کردن وابستگی به انتقال گاز روسیه قلمداد می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که ساخت خط لوله ناباکو با گذر از آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز شده و در سال ۲۰۱۱ پایان یابد. هزینه لازم برای اجرای این پروژه حدود هفت میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارزیابی می‌شود. ترکیه و Boats، رومانی Transgaz، بلغارستان Bulgargaz، مجارستان MOL، اتریش OMV شرکت‌های آلمان سهام‌داران اصلی این پروژه محسوب شده و هر کدام سهمی برابر با ۱۶,۶۷ درصد دارند. البته باید خاطر نشان کرد که در پروژه ناباکو، غلبه بر سیاست‌هایی که پیرامون آن شکل گرفته است دشوار به نظر می‌رسد. در شکل زیر تصویر کلی خطوط لوله نمایش داده شده است.^{۲۴}

خطوط لوله گاز تکمیل شده و در حال احداث ترکیه



Source: www.botas.gov.tr

نتیجه‌گیری

این مقاله به منظور بررسی این پرسش آغاز شد که چگونه ترکیه بدون داشتن هیچ‌گونه ذخیره انرژی هیدروکربنی در حال تبدیل شدن به چهار راه تجارت و ترانزیت نفت و گاز است؟ با علم به وجود عوامل متعدد پاسخ خود به پرسش مذکور را بر این فرضیه استوار کردیم که موقعیت ژئوپلتیک، سیاست خارجی فعال، نیاز اروپا به متنوع ساختن انرژی خود و کاهش وابستگی به واردات گاز از روسیه، از عوامل تعیین‌کننده در این مورد می‌باشد. برای آزمون فرضیه ابتدا به ژئوپلتیک انرژی و موقعیت استراتژیک ترکیه پرداختیم و گفتیم این کشور که بین سه قاره جهان قرار گرفته از مدت‌ها قبل به دنبال یافتن جایگاهی مناسب و تبدیل شدن به مهمترین واسطه انرژی بین تولیدکنندگان خاورمیانه و مصرف‌کنندگان اروپایی بوده است. همچنین به سیاست خارجی فعال و پویای ترکیه که به نئوعثمانیسم معروف شده و در صدد کاهش اختلافات خود با همسایگان یا به صفر رساندن آن است، اشاره کردیم که تأثیری زیادی بر نقش ترکیه به عنوان چهار راه انرژی بازی می‌کند. در نهایت به استراتژی انرژی ترکیه و نیاز به تنوع بخشی اروپا به منابع انرژی پرداختیم و گفته شد که این استراتژی، نشان‌دهنده میزان جاه‌طلبی‌های ترکیه، در امر ترانزیت انرژی منطقه است که با افزایش تقاضا انرژی اروپا در سال‌های آینده و بحران گازی ژانویه ۲۰۰۷ که به دلیل اختلافات روسیه و اوکراین موجب قطع گاز مصرفی اروپا شد، کشورهای این منطقه را به تکاپو انداخت تا خود را از وابستگی به گاز روسیه برهانند. اینک در مقام نتیجه‌گیری نکاتی را می‌افزاییم:

۱- علاوه بر عوامل یاد شده ترکیه بر امتیازهایی نظیر نزدیکتر بودن آن کشور به بازارهای انرژی غرب همگرایی کامل در اشتراک راهبردی منافع با غرب و به خصوص ایالات متحده، و ثبات و امنیت نسبی داخلی تکیه مینماید. روابط وسیع تجاری ترکیه با آسیای مرکزی، اشتراک در زبان و فرهنگ و تشابه سکولاریسم حاکم بر ترکیه با بسیاری از کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی از دیگر عوامل و محورهایی است که ترکیه بر آنها تأکید می‌نماید.

۲- ترکیه در مقام پل انتقال انرژی به اروپا می‌تواند از آن به عنوان برگ برنده مهمی در تلاش این کشور به منظور پیوستن به اتحادیه اروپا استفاده کند. ترکیه تمایل بسیاری دارد تا با صحنه‌گردانی مبادلات انرژی منطقه نفت‌خیز و گازخیز خلیج فارس و دریای خزر، قدرت و توانمندی خود را به رخ اروپا بکشد و اهالی و تصمیم‌گیران قاره سبز را بابت ۱۸ سال معطل کردن آنکارا در اعطای مجوز اروپایی شدنش دچار ندامت کند. ترک‌ها با مهارت شگفت‌انگیزی و با بررسی همه فراز و فرودهای سیاسی و اقتصادی اروپا و منطقه خاورمیانه و نیز درک و اشراف صحیح بر روند تحولات جهانی، قصد دارند با کلید طلایی ذخایر گازی، همسایگان خود دروازه‌های قاره سبز را روی خویش بکشایند.

۳- با توجه به نقش ایران به عنوان یکی از مناطق نادر ژئوپولیتیکی که در قلب ۷۵ درصد مجموع ذخایر انرژی جهانی، (میان حوزه‌های عظیم انرژی خلیج فارس و دریای خزر) قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران با تقویت دستگاه سیاست خارجی در زمینه طبقه‌بندی، اولویت‌بندی و به خصوص تحلیل مناسب از حجم فزاینده تحول‌های بین‌المللی، در زمینه ایجاد ارتباط‌های مبتکرانه و گردهمایی جهانی و تقویت دیدگاه‌ها، باعث خواهد گردید، تا دیپلماسی کشور) در عرصه حفظ منافع اقتصاد ملی، جذب سرمایه و منابع مالی خارجی، جلب فرصت‌های ترانزیت انرژی از قلمرو کشور و شرکت در گروه‌بندی‌های فعال اقتصادی (به موفقیت‌های حتمی دست یابد).

۴- به هر تقدیر امید همه کارشناسان این است که تصمیم‌سازان کشورمان به نعمت گاز به عنوان ابزاری دیپلماتیک نگریسته و از کشورهای همسایه به عنوان عناصری در خدمت به منافع ملی کشورمان سود جویند.

می‌توان پیش‌بینی کرد که با ساخته شدن خطوطی که اکنون در حال بررسی است از جمله خط لوله ناباکو، در آینده ۱۵ درصد از صادرات جهانی گاز و درصد قابل توجهی از صادرات جهانی نفت از طریق خطوط لوله عبوری از خاک ترکیه صورت گیرد. به همین دلیل به نظر می‌رسد آینده ترکیه با امنیت انرژی اروپا گره خورده باشد. نیاز اروپا به انرژی بیش از آن است که اروپائیان منتظر مذاکرات پیوستن ترکیه به این اتحادیه بمانند.

در مرحله اول اروپا باید مذاکره با ترک‌ها را در مسائل فی‌مابین تسهیل کند. همچنین کشورهایمانند قبرس که تا به حال نسبت به ترکیه مواضع خصمانه اتخاذ می‌کردند، باید در مذاکرات موضع سازنده‌تری در پیش گیرند. در مقابل آنکارا باید به دنبال مشارکت فعال در سیاست انرژی اروپا باشد و با اتخاذ سیاستی پویا از موقعیت ژئوپلتیک و استثنایی کشورش به نحو احسن استفاده کند.

- 1-Haford J Makinder, Democratic Ideals and reality, *New York. www.norton. 1962*
- 2-Abbs malikiy energy supply and demand EURASIA: COOPERATION Between Eu and Iran The China and Eurasia Forum quarterly. Vol 5.No 4.2007
- 3-Soyzal, Mumtaz(2004) the Future of Turkish Foreign Policy, in The Future of Turkish Foreign Policy, Edited by g. Martin and Dimstiric Keridi, Cambridge: MIT press
- 4- Nadir Devlet. Turkey's Energy Policy in the Next Decade. Winter 20042005- p p 7
- 5- Şaban Kardaş .Turkey: Redrawing the Middle East Map Or Building Sandcastles? Middle East Policy, Vol. XVII , No. 1, Spring 2010
- ۶- چگینی‌زاده، غلامعلی و بهزاد خوش‌اندام، تعامل و تقابل پیرامون گرای و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۸۹
- 7-Tuncay Babah .Turkey at the Energy Crossroads Turkey, Present and Past, *Middle East Quarterly* Spring 2009. , pp. 2533-
- 8-Ibid,p.38
- 9- Tourism Statistics for 2007," *Ministry of Culture and Tourism of the Republic of Turkey*, Ankara, accessed Jan. 8, 2009
- 10- Today's Zaman (Istanbul), Oct. 22, 2008.
- 11- Rabbasa, Angel and f. Stephan larabee. *The rise of political Islam in turkey*, Santa Monica, RAND Corporation, 2008 .p.84
- 12-Ibid,p.87
- 13- John C.K. Daly, "Analysis: Turkey Iran Energy Ties," United Press Interna onal, Nov. 30, 2007.
- 14- zamzn. Istanbul), Aug. 19, 2008
- ۱۵- حسن تاش، سید غلامحسین، "تقاضای گاز اروپا نقش ترکیه و فرصت‌های ایران"، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۳۸۵، ۲۲۴- شماره ۲۲۳
- 16- ohn Roberts, "The Turkish Gate. Energy Transit and Security Issues", EU-Turkey Working Papers, No. 11,(October2004),pp. 12-.
- 17- Ministry of Energy and Natural Resources, the republic of turkey, presenta only the Ministe strategicplan:2010201- .April15 2010. *www.enerji.gov.tr*
- ۱۸- ماهنامه گسترش انرژی، سال چهارم، شماره ۳۱، شهریور ماه ۱۳۸۹
- 19-TURKEY'S ENERGY STRATEGY.Deputy Directorate General forEnergy, Water and EnvironmentJanuary .2009.p3

20- Ibid,p.6

۲۱- کاملی، علیرضا، عرضه و تقاضای نفت خام در بازار مدیترانه، بررسی‌های اقتصادی انرژی، سال سوم،

شماره ۱۱، زمستان ۸۶، ص ۳۱

۲۲- همان، ص ۲۹

23- Katinka Barysch, Turkey's role in European energy security, Centre for European Reform. cDecember 2007

24- Abdulkadir Develi , Saban Calis Security of Gas Supply: The Role of Turkey, EU and Russia. *Globalization, Energy and Environment Warsaw School of Economics*, 2930- May, 2008p.12